فهرست مطالب

سخنی با خواننده..... ۱۵
قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی..... ۲۱

ماده ۱..... ۲۱
اعتبار یا عدم اعتبار قانون..... ۲۲
مبانی شرعی جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۲۲
سابقه قانونی جرم اعمال نفوذ..... ۲۳
منظور از «خدمات عمومی»..... ۲۴
منظور از مامورین به خدمات عمومی ۲۵
کارمندان بانک‌های خصوصی به مثابه مامور به خدمات عمومی..... ۲۶
ضرورت جرم انگاری اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۲۹
انواع متهمین در جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۳۰
تعریف جرم اعمال نفوذ..... ۳۱
منظور از عبارت «هر کس»..... ۳۲
معنی لغوی فساد..... ۳۴
جلوگیری از وقوع جرم اعمال نفوذ در سند تحول قوه قضائیه..... ۳۴
مبارزه بین المللی با فساد مالی..... ۳۵
عنصر مادی جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۳۶
عنصر روانی..... ۳۷
شرایط تحقق جرم اعمال نفوذ..... ۳۹
معنای اعمال نفوذ..... ۴۱
فعل مادی مثبت..... ۴۲
سوء نیت در جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۴۲
شروع به جرم اعمال نفوذ بر خلاق حق ۴۳
معنای حق..... ۴۳
اقدام برخلاف حق توسط ماموران دولتی..... ۴۴
اعمال نفوذ به وسلیه شغل نظامی..... ۴۵
مقید بودن جرم اعمال نفوذ از دیدگاه قضایی..... ۴۷

پدیده «کارچاق کنی» از جرم انکاری تا جرم انگاری..... ۴۹
منع توصیه پذیری قضات..... ۴۹
اعمال نفوذ قاضی در امور اداری مربوط به خود..... ۵۰
مغلوب نفوذ شدن قاضی..... ۵۲
جرم اعمال نفوذ در کنوانسیون مریدا ۵۴
اعلام جرم از سوی سازمان بازرسی کل کشور..... ۵۵
دریافت وجه یا فائده با ادعای اعمال نفوذ موافق حق..... ۵۶
مفهوم اعمال نفوذ..... ۵۶
مفهوم عامیانه اعمال نفوذ..... ۵۷
تظاهر به عمل وکالت در قامت کارچاقکنی..... ۵۸
لزوم تحصیل مال در تحقق جرم..... ۵۹
پرداخت کننده وجه در جرم اعمال نفوذ ۵۹
مبانی فقهی جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۵۹
ادعای اعمال نفوذ بر خلاف حق در فتاوای مراجع..... ۶۰
اعمال نفوذ موافق حق و مقررات قانونی ۶۱
مفهوم کارچاق کنی..... ۶۲
غصب و جعل عناوین در قامت کارچاق کنی..... ۶۲
تفاوت دلالی با کارچاق کنی..... ۶۳
مفهوم حقوقی دلالی..... ۶۳
انواع نفوذ..... ۶۴
افتراق جرم کلاهبرداری با اعمال نفوذ برخلاف حق..... ۶۴
ارتباط ارتشا با کارچاقکنی..... ۶۶
تخلف در اعمال نفوذ نمایندگان مجلس ۶۶
انواع اعمال نفوذ..... ۶۷
اعمال نفوذ در مقابل تحصیل منفعت۶۸
تفاوت جرم کلاهبرداری و اعمال نفوذ ۶۸
تفاوت جرم ادعای نفوذ بر خلاف حق با ارتشاء..... ۷۰
منظور از تحصیل منفعت ناروا..... ۷۱
مصادیق عملی جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۷۲
انواع دلالی نفوذ..... ۷۳

مرتکب جرم اعمال نفوذ..... ۷۳
رابطه شخصیت مجرم و تشدید مجازات ۷۴
مفهوم عرفی کارچاق کنی..... ۷۴
مفهوم کلاهبرداری قضایی..... ۷۵
انواع کلاهبرداری قضایی..... ۷۵
قربانیان کلاهبرداری قضایی..... ۷۸
مصادیق عنوان مجرمانه کلاهبرداری قضایی..... ۷۸
عناوین مشابه کلاهبرداری قضایی..... ۷۸
عدم ضرورت جرم انگاری مستقل برای «کارچاق کنی»..... ۸۰
ضرورت انتشار احکام قضایی در جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۸۰
تکلیف مسئولان به اعلام جرم..... ۸۱
مقید بودن جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۸۳
مقایسه بزه اعمال نفوذ بر خلاف حق با بزه تحصیل مال نامشروع..... ۸۴
وظیفه پیشگیری از اعمال نفوذ در کنوانسیونهای بین المللی..... ۸۶
سوء استفاده از مقام..... ۸۷
خرید و فروش با سوء استفاده از مقام ۸۷
منظور از مقررات قانونی..... ۸۷
تعدیل مبالغ جزای نقدی در قانون اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۸۸
تعیین درجات مجازات تعزیری در جرم اعمال نفوذ..... ۸۹
اثر توبه در اعمال مجازاتهای قانون اعمال نفوذ..... ۸۹
مرور زمان اجرا در جرایم موضوع قانون مجازات اعمال نفوذ..... ۹۰
مرور زمان تعقیب در جرایم موضوع قانون مجازات اعمال نفوذ..... ۹۱
غیرقابل گذشت بودن جرایم موضوع قانون مجازات اعمال نفوذ..... ۹۳
جواز تعلیق اجرای مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۹۴
ممنوعیت تعلیق و تعویق صدور حکم در اعمال نفوذ به نحو سازمان یافته.. ۹۵
جواز اعمال مقررات نظام نیمه آزادی ۹۶
امکان اجرای آزادی مشروط در مجازات اعمال نفوذ..... ۹۷
شرایط معاونت در اعمال نفوذ..... ۹۷

تعیین مجازات جایگزین حبس ۹۸
ارتکاب جرم اعمال نفوذ از سوی نوجوان..... ۹۸
امکان تعویق صدور حکم..... ۹۸
جواز تخفیف در مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۹۹
محرومیت اجتماعی در جرم اعمال نفوذ ۱۰۰
جواز اعمال مجازاتهای تکمیلی در جرم اعمال نفوذ..... ۱۰۰
مجازات شروع به جرم در قانون مجازات اعمال نفوذ..... ۱۰۱
عدم امکان اثبات جرم اعمال نفوذ با سوگند..... ۱۰۳
مامورین حفاظت اطلاعات به مثابه ضابطان خاص..... ۱۰۳
گزارشات مردمی در جرم اعمال نفوذ ۱۰۴
تعلیق تعقیب در جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۱۰۴
میانجیگری در جرائم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۱۰۵
صدور کیفرخواست شفاهی در جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۱۰۶
کنترل ایمیل و پیامک در جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۱۰۷
جلب بدون احضار در جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۱۰۸
تشکیل پرونده شخصیت در جرم اعمال نفوذ بر خلاق حق..... ۱۰۹
صلاحیت رسیدگی به جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۱۰۹
معافیت از خدمت نظام وظیفه با اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۱۱۱
انتشار تصویر متهم در جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۱۱۱
تقابل مقررات ماده ۲ قانون تشدید با مواد ۱ و ۴ قانون اعمال نفوذ بر خلاف حق..... ۱۱۲
جرم ادعای نفوذ از منظر رویه قضایی ۱۱۳

ماده ۲ ..... ۱۳۱

اعمال نفوذ خاص..... ۱۳۱
ارزش مورد حمایت..... ۱۳۱
منظور از «کارهای اداری»..... ۱۳۲

فساد اداری..... ۱۳۲
عناصر مادی جرم اعمال نفوذ..... ۱۳۳
عنصر معنوی اعمال نفوذ خاص..... ۱۳۳
منظور عبارت « به نفع یا ضرر کسی »..... ۱۳۴
منظور از «حبس تادیبی»..... ۱۳۶
منظور از خدمت یا امر عمومی..... ۱۴۰
شرایط تحقّق جرم اعمال نفوذ خاص..... ۱۴۰
منظور از «روابط خصوصی»..... ۱۴۱
انواع روابط خصوصی..... ۱۴۲

ماده ۳..... ۱۴۵

ارزش مورد حمایت..... ۱۴۵
جرم انگاری تاثیرپذیرنده..... ۱۴۵
مرتکبین حصری اعمال نفوذ..... ۱۴۶
اعمال نفوذ منفعل..... ۱۴۷
منظور از «مستخدمین کشوری»... ۱۴۷
منظور از انفصال ابد از خدمات دولتی..... ۱۴۸
معنای انفصال از خدمت..... ۱۴۸
انواع مجازات انفصال از خدمت..... ۱۴۸
منظور از «تفویت حق»..... ۱۵۱
تفاوت عدم النفع و تفویت منفعت. ۱۵۲
قابلیت مطالبه خسارت ناشی از عدم النفع در حقوق موضوعه..... ۱۵۳
تفاوت تفویت فرصت با تفویت منفعت..... ۱۵۷
عنصر مادی جرم اعمال نفوذ منفعل..... ۱۵۸
عنصر معنوی جرم اعمال نفوذ منفعل..... ۱۵۸
شرایط تحقق اعمال نفوذ منفعل.... ۱۵۹
حصری نبودن مرتکب به کارمندان دولت..... ۱۵۹
تفاوتهای ارتشاء و اعمال نفوذ منفعل..... ۱۶۰
اجتماع جرم ارتشاء جرم اعمال نفوذ منفعل..... ۱۶۲
انواع اعمال نفوذ منفعل..... ۱۶۴
ادعای نفوذ در معاملات دولتی..... ۱۶۵
سفارش پذیری در امر قضاء..... ۱۶۶
تعهد قضات به تعقیب متجاوزین.... ۱۷۷
اعطاء مرخصی در راستای اعمال نفوذ..... ۱۷۷
بخشنامه راجع به جلوگیری از اعمال نفوذ..... ۱۷۸

اعمال غرض و اظهار نظر برخلاف حق درباره احد از طرفین..... ۱۷۸
مطالبه خسارت ناشی از اظهارنظر بر خلاف حق..... ۱۸۰
قربانی اعمال نظر بر خلاف حق..... ۱۸۱

ماده ۴..... ۱۸۳

ضرورت جرم انگاری اعمال نفوذ بر مبنای حرفه وکالت..... ۱۸۳
منظور از وکیل عدلیه..... ۱۸۳
تعریف وکالت دادگستری..... ۱۸۴
انواع وکیل دادگستری..... ۱۸۵
خروج وکلای اتفاقی از شمول این ماده ۱۸۷
خروج نمایندگان حقوقی از شمول این ماده..... ۱۸۸
مقید بودن جرم اعمال نفوذ..... ۱۸۹
محدودیت از وکالت به منظور جلوگیری از اعمال نفوذ..... ۱۹۰
نقش وکلا در اعمال نفوذ بر خلاف حق ۱۹۱
مخاطبین ادعای نفوذ از سوی وکیل دادگستری..... ۱۹۲
ضرورت ادعای اعمال نفوذ نسبت به شخص وکیل..... ۱۹۳
حصری بودن طرفهای اعمال نفوذ.. ۱۹۳
اعمال نفوذ موافق و مخالف مقررات قانونی..... ۱۹۴
ادعای نفوذ در مشاوره حقوقی..... ۱۹۵
ادعای نفوذ در زمان تعلیق از وکالت ۱۹۵
ادعای اعمال نفوذ توام با دریافت وجه ۱۹۷
اعمال نفوذ به مناسبت حرفه..... ۱۹۷
اعتبار شغلی وکیل..... ۱۹۸
ارزش مورد حمایت..... ۱۹۸
ادعای اعمال نفوذ توام با دریافت وجه ۱۹۹
لزوم احراز رابطه وکالتی بین وکیل و موکل..... ۱۹۹
عنصر مادی اعمال نفوذ توسط وکیل دادگستری..... ۲۰۰
اعمال نفود بر خلاف حق در پوشش عقد جعاله..... ۲۰۰
عنصر روانی اعمال نفوذ توسط وکیل دادگستری..... ۲۰۱

شرایط تحقق جرم ادعای نفوذ توسط وکیل دادگستری..... ۲۰۱
رابطه بزه ادعای اعمال نفوذ وکیل دادگستری با کلاهبرداری..... ۲۰۵
شمول مقررات قانونی به کارآموزان وکالت..... ۲۰۶
ضرورت اخذ وجه یا مال از موکل... ۲۰۷
ادعای نفوذ از سوی قضات بازنشسته ۲۰۸
اعمال نفوذ موافق و مخالف مقررات قانونی..... ۲۰۹
رابطه بزه موضوع ماده ۴ با کلاهبرداری ۲۱۰
مصونیت وکیل دادگستری و اعمال ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی..... ۲۱۱
مقید بودن جرم موضوع..... ۲۱۴
مجازات تکمیلی وکلای دادگستری در جرم اعمال نفوذ..... ۲۱۵
تحصیل وکالت از طریق ادعای نفوذ ۲۱۵
مقایسه رابطه بزه اعمال نفوذ بر خلاف حق با بزه رشاء..... ۲۱۶
نقش وکلاء در اعلام جرم اعمال نفوذ برخلاف حق..... ۲۱۷
خروج تظاهر به وکالت از عنوان مجرمانه اعمال نفوذ..... ۲۱۷
جرم تظاهر به وکالت به مثابه «جرم مقدمه»..... ۲۱۸
مقایسه رابطه بزه اعمال نفوذ بر خلاف حق با بزه رشاء..... ۲۱۹
ادعای اعمال نفوذ در آیین حرفه ای وکالت..... ۲۱۹
تنظیم قرارداد وکالت، شرط تحقق جرم موضوع این ماده..... ۲۲۰

فهرست منابع ۲۲۱

سخنی با خواننده

امروزه فساد به یکی از مشکلات مهم کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است. یکی از جرایم اقتصادی مهمی که اغلب در ارتباط با سیستم اداری رخ می‌دهد اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی است. این جرم، با گذشت زمان در جامعه ما، رو به فزونی گذاشته و جامعه قضایی را با چالش هایی مواجه ساخته است. ادعای داشتن نفوذ نزد قضات محاکم و کارکنان اداری دادگستری و کارشناسان از اموری است که امروزه توسط افرادی که اصطلاحاً آنان را «کار چاق کن» می نامند، فراگیر شده و بسیاری از مراجعین به محاکم و دستگاههای اداری تجربه برخورد با چنین افرادی را دارند. به عبارت بهتر، امروزه «کلاهبرداری قضایی» قربانیان زیادی دارد که البته ضعف سیستم نظارتی در جامعه و نارسایی ساز و کار تعقیب و مجازات در گسترش آن بی تاثیر نیست.

براساس بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی یکی از تکالیف دولت تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون است. هم‌چنین در سیاستهای کلی قضایی مصوب دوم آذر ۱۳۸۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام موارد مهمی در جهت سلامت و کارآمدی نظام قضایی کشور پیش بینی شده است که از جمله آنها تمهیدات لازم برای فراگیر کردن نهاد داوری، اتخاذ تدابیر لازم جهت کاهش فرآیند دادرسی و دست‌یابی

سریع و آسان مردم به حقوق خود می‌باشد. تحقق این مسئولیتها مستلزم سلامت نظام قضایی و پیش‌گیری از فساد و ناکارآمدی و اختلال در خدمات قضایی است.
دیرزمانی است که مقنن در راستای مقابله با فساد اداری و قضایی به فکر جرم انگاری رفتارهای آسیب زننده به سلامت نظام اداری و قضایی افتاده است و در همین راستا قانونی با عنوان *«قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی»* را مشتمل بر چهار ماده در جلسه بیست و نهم آذر ماه یک هزار و سیصد و پانزده به تصویب مجلس شورای ملی رساند.
شهروندان هر جامعه ای از حقوق و اختیاراتی بهره مند و برخوردار می‌باشند که بسیاری از آنها جز نیازهای اولیه و اساسی محسوب می‌شود که می‌بایست محترم شمرده شده و تضمین گردد. یکی از مهم ترین حقوق هر شهروند جامعه، *حق دسترسی عادلانه و بدون تبعیض آمیز* به کلیه‌ی امتیازات و خدمات قابل ارائه توسط نهادها و ارگان‌ها می‌باشد. اما امروزه شاهد آن هستیم که برخی افراد با ادعای نفوذ و اعتبار نزد مقامات، کارکنان و به طور کلی نهادهای ارائه دهنده خدمات، به صورت خلاف واقع و خارج از تشریفات و روال عادی در قبال اخذ مال اقدام نموده که در عرف ما به کارچاق کنی مشهور می‌باشد.[۱]
یکی از اصلی ترین جرائم مرتبط با کارچاقکنی و دلالی غیرقانونی، جرم اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی می‌باشد. این قانون، علیرغم این که قریب به ۹۰ سال از زمان تصویب آن می‌گذرد و با تصویب قوانین مؤخر نسخ نشده است، در

[۱]. کریمی، محمدامیر، رویکرد قانون گذار در قبال پدیده کارچاق کنی و اعمال نفوذ برخلاف حق، فصلنامه علمی ترویج علم، دوره ۱۳، شماره ۱ – شماره پیاپی ۲۲، شهریور ۱۴۰۱، صفحه ۲۲۸–۲۴۹

رویه قضایی موجود اثری بسیار منفعلانه داشته و کاملاً به انزوا کشیده شده است و در موارد کمتری مورد استناد واقع می‌شود.

متاسفانه برخوردهایی که هر از چند گاه توسط قوه قضاییه نیز صورت می‌گیرد، آبی نیست که این آتش را خاموش کند، بلکه به مثابه داروی مسکنی است که به بیمار داده شده و فعالیت این دسته از مجرمان را به همراه فعالیت رابطان آن‌ها در دستگاه قضایی موقتاً کُند کرده و پس از آن که برخوردها با برخی از عناصر متخلف به پایان رسید و آب‌ها از آسیاب افتاد، مجددا فعالیت این گروه از مجرمان شدت بیشتری می‌یابد.

با نصب تابلو و پارچه بر سر درب اماکن قضایی و درج عبارت «*ورود کارچاق کنان ممنوع*» نیز هیچ یک از این مجرمان نترسیده و منعی در فعالیت آنان ایجاد نمی‌کند، کنترل شدید مراجعان در بدو ورود به مجتمع‌های قضایی نیز درمان نیست بلکه صرفا نارضایتی را در بین ارباب رجوع و مراجعان ایجاد کرده و اعتراضات مردمی را در پی خواهد داشت.

برای کم کردن آثار این جرم در جامعه و سپس حرکت به سوی ریشه کن کردن آن در کشور، لازم است حفاظت اطلاعات قوه قضاییه به طور مستمر از طریق رابطان مستقر در کلیه اماکن قضایی، نسبت به شناسایی و دستگیری کلاهبرداران قضایی و کارکنان، قضات و وکلای خاطی اقدام کند.

برای افزایش بیش از پیش سلامت امور قضایی لازم است تا دستگاه قضا و شعب کیفری مربوطه با جدیت و بدون توجه به شهرت و روابط این مجرمان در قوه قضاییه، نسبت به محاکمه و صدور حکم محکومیت آنان اقدام کنند.

رسیدگی به پرونده‌ها و جرایم این گروه از مجرمان، با حداکثر سرعت انجام شده و صدور حکم محکومیت این افراد در حداقل زمان، معرفی این افراد به مردم و اعلام حکم محکومیت آن‌ها با جدیت و از طریق اطلاع رسانی از سوی قوه قضاییه، آموزش صحیح کارکنان در بدو استخدام و همچنین به صورت مستمر و ادواری، نظارت مستمر بر کارکنان در محیط کار، پرهیز از اطاله دادرسی، افزایش سطح حقوق، دستمزد و مزایای کارکنان، اطلاع رسانی اعم از جراید، مطبوعات، صدا و سیمای و خبرگزاری‌ها نسبت به معرفی این جرم و مجازات آن به آحاد افراد جامعه، افزایش سطح بینش حقوقی مردم و برگزاری دوره‌های آموزش قضات، از دیگر راه‌کارهایی است که در ریشه کن کردن این جرم تاثیر به سزایی دارد.

آن چه در این مجموعه می‌خوانیم، به ما کمک خواهد کرد تا با درک درست از مبانی قانونی و شناخت مصادیق رفتار مجرمانه جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق، بتوانیم به صورت علمی، ابتدا در دفاع از حقوق قربانیان این جرم و پدیده شوم کارچاق کنی و سپس در دفاع از رد اتهامات واهی در انتساب رفتار مجرمانه به اشخاصی که به ما بعنوان وکیل دادگستری پناه آورده اند، راهگشا باشیم، چرا که تارنما بودن مقررات قانونی راجع به جرم اعمال نفوذ از یک سو و شباهت عناصر مادی و معنوی این جرم با جرایم مالی دیگر همچون رشاء، ارتشاء، کلاهبرداری، تحصیل مال نامشروع و سوء استفاده از موقعیت شغلی از دیگر سو، فهم دقیق معیارهای تشخیص این جرم از سایر جرایم مشابه دشوار می‌نماید. امید است با مطالعه این مجموعه، بتوان راهی برای دفاع از پرونده‌های مربوط به جرم موصوف را هموار نماییم.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از هم‌راهی و راهنمایی‌های مشفقانه تمامی همکاران عزیز، که در گردآوری این اثر، بنده را مورد لطف و مرحمت قرار داده‌اند، قدردانی نموده و همت والای *انتشارات کتاب آوا* را که تاکنون در انتشار کتب حقوقی گام‌های بلندی برداشته، ستایش نمایم و از کلیه خوانندگان این اثر عاجزانه درخواست نمایم، با انعکاس کاستی‌ها و نقایص موجود، بنده را در تکمیل مجموعه حاضر در انتشارات بعدی یاری فرمایند.

مجتبی باری – تابستان ۱۴۰۴

قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی

مصوب ۲۹ آذر ماه ۱۳۱۵

ماده ۱- (اصلاحی ۱۴۰۳/۳/۳۰) هر کس به دعوی اعتبارات و نفوذی در نزد یکی از مستخدمین دولتی یا شهرداری یا کشوری یا مامورین به خدمات عمومی وجه نقد یا فایدهٔ دیگری برای خود یا شخص ثالثی در ازاء اعمال نفوذ نزد مامورین مزبوره از کسی تحصیل کند و یا وعده و یا تعهدی از او بگیرد علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال و به جزای نقدی از یکصد و شصت و پنج (۱۶۵,۰۰۰,۰۰۰) تا ششصد و شصت (۶۶۰,۰۰۰,۰۰۰) میلیون ریال محکوم خواهد شد.

هر گاه وجه نقد یا فایده یا تعهد را به اسم مامورین مزبوره و به عنوان این که برای جلب موافقت آنها باید پرداخته شود گرفته باشد علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تادیبی از یک سال تا ۳ سال و به جزای نقدی از سیصد و سی میلیون ریال (۳۳۰,۰۰۰,۰۰۰) تا یک میلیارد ریال (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) محکوم خواهد شد.

اعتبار یا عدم اعتبار قانون

هر چند قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی در زمان تقریر این متون حدود ۹۰ سال قدمت دارد اما دلیلی بر نسخ مقررات آن وجود ندارد و باید حکم به اعتبار این قانون داد و البته محاکم قضایی هم‌چنان به مقررات آن استناد می‌نمایند و حتی مجازات جزای نقدی مقرر در مواد آن قانون در مصوبه مورخ ۱۴۰۳/۳/۳۰ هیئت دولت بر مبنای مقررات ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی به روز رسانی شده است و این نشان از اعتبار قانونی این مقررات و عدم نسخ صریح یا ضمنی آن به موجب مقررات بعدی است.

مبانی شرعی جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق

اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی با توجه به آیات قرآنی از جمله ی مصادیق «اکل مال به باطل» تلقی میگردد با توجه به این که هر گونه تصرف در اموال دیگران و تجاوز به حقوق مردم نوعی تملک و تسلّط غیر شرعی و مال مردم خوری محسوب می‌گردد لذا حکم اولیه و مستقیم حکم تکلیفی یعنی حرمت بالذات عمل اکل مال به باطل است هر اکل مال به باطلی از مصادیق «سحت» محسوب می‌شود. پس رابطه‌ی منطقی بین «سحت» و «اکل مال به باطل عموم و خصوص مطلق بوده و دامنه ی شمول «سحت» وسیع است و تنها یک مصداق آن اکل مال به باطل است. بنابراین مالی که بدون دلیل منطقی و شرعی که در نهایت به ننگ و خرابی و فساد فرد و جامعه، منجر می‌گردد از جمله ی اکل مال به باطل محسوب می‌گردد و مالی که از طریق اعمال نفوذ بدست آید اکل مال به باطل است و از مصادیق «سحت» می‌باشد. اعمال نفوذ بر خلاف حق و

مقـررات قـانونی از جملـه فسـادهای اداری و اجتمـاعی اسـت کـه بـدتر از فسـادهای فـردی اسـت و زیـان آن نسبت به کل جامعه اسـت و از جملـه مصادیق « اثم » محسوب مـی‌گـردد. اگر در جامعه فکر پارتی بازی تبعیض اعمال نفوذ شایع گردد آن جامعه قطعاً به سوی فساد سوق داده خواهد شـد. همانطور که قرآن کریم همگـان را بـر برخورد بـا ایـن فکـر ترغیـب میکنـد مخصوصاً خواص را بنا بر این باید این فرهنگ مذموم از جامعـه ریشـه کـن شود تا وقتی مـردم جـرایم مـذکور را مذموم و زشت ندانند، اقدامات قهـری نتیجه نخواهد داد تـا در افکـار مـردم انقلاب پیـدا نشـود نمـی‌تـوان انتظـار اصلاح اعمال آن را داشت. اعمال نفوذ برخلاف حق از جمله منکرات اسـت و مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر در درجه ی اول با علماسـت. درسـت کاری قضات و شرایطی برای قضات از جملـه عـدالت اسـتقلال قضـایی دسترسی آسان مردم بـه بـه خـدمات قضـایی سـلامت و درسـت کـاری فرآیند،وکالت به منظـور پیشـگیری از هر گونه اعمال نفوذ در دستگاه قضایی مـی‌باشـد. (بیگـی، جمـال و داشـتان ایلخچی، علیرضا، بررسی فقهی اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقـررات قـانونی، نشریه فقـه و مبـانی حقـوق اسـلامی: تابستان ۱۳۹۶ - شماره ۲، صـفحات: از ۳۷ تا ۵۶)

سابقه قانونی جرم اعمال نفوذ

نخستین مقررات مربوط به جلـوگیری از اعمال نفوذ کارمندان دولت در ایران به قانون مجازات اعمال نفوذ بـرخلاف حق و مقررات قانونی، مصـوب ۱۳۱۵ ش، مربـوط اسـت. عـلاوه بـر قـانون مذکور در برخی قوانین متفرقه ماننـد مـادۀ ۶۰ از قـانون خـدمت وظیفـۀ عمومی، مصوب ۱۳۶۳، اعمال نفـوذی که موجب معافیـت از خـدمت شـود،

جـرم‌انگـاری شـده اسـت. هـم‌چنـین به‌موجب بندِ «پ» از مـادۀ ۳۶ قـانون مجـازات اسـلامی، مصـوب ۱۳۹۲، چنانچه جرم اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی منتهـی بـه تحصـیل مال توسط مجرم یا دیگری (بـه ارزش یک میلیارد ریال یـا بیشـتر شـود- از تـاریخ ۱۴۰۳/۴/۳۰ ایـن مبلـغ بـه چهارده میلیـارد ریـال افـزایش یافتـه اسـت)، لازم اسـت حکـم محکومیـت قطعـی در رسـانۀ ملـی یـا یکـی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شـود. نکتۀ دیگر اینکه به موجب بند ب مادۀ ۱۰۹ قانون مجـازات اسـلامی، ۱۳۹۲، اعمال نفوذ بـرخلاف حـق و مقـررات قانونی، در صورت تحصیل مال توسـط مجرم یـا دیگـری از مصـادیق جـرائم اقتصـادی اسـت. چنـین جرائمـی مشمول آثاری مانند عدم شمول مرور زمان بر رفتارهای مجرمانـه هسـتند و با عنـوان اعمـال نفـوذ بـرخلاف حـق شناخته مـی‌شـوند (مهـرا، نسـرین، و جعفر حسنی، «نقدی بر مفهـوم جـرم اقتصادی در قـانون مجـازات اسـلامی ۱۳۹۲»، مطالعـات حقـوق کیفـری و جرم‌شناسی، ۱۳۹۴، شماره ۲-۳، ص ۵۳)

منظور از «خدمات عمومی»

خـدمات عمـومی بـه عنـوان یکـی از مفاهیم بنیادین حقوق اداری هـم‌واره در حـوزه هـای مختلـف بـه ویـژه در کشور فرانسه اثرگذار بوده است. قانون اساسی جمهـوری اسـلامی ایـران بـه عنوان عالی‌ترین سند حقـوقی کشـور در اصول مختلفی به مصادیق بارزی از خدمات عمومی اشاره نموده و وظیفـه تأمین آنها را برعهده دولت گذاشته که از نظر برخی، حـاکی از پـذیرش ایـن مفهوم به مثابه فلسفه وجودی دولت و دسـتگاه‌هـای اجرایـی مـی‌باشـد. لـذا بررسی خدمات عمومی در حوزه‌هـای مختلـف و میـزان اثـر گـذاری‌هـایش

اهمیت ویژه ای می‌یابد. خدمات عمومی در حوزه سازمانی، معیار تشخیص و تفکیک ماهیت مؤسسات عمومی از سایر نهادها و نیز کارمندان بخش عمومی از غیرکارمندان بخش عمومی است. در حوزه صلاحیت، برخورداری دولت از اختیارات گسترده تصمیم گیری شامل تصمیمات یک-جانبه و عام‌الشمول، و در حوزه مالی، امتیازات انحصاری دولت همچون ممنوعیت توقیف اموال دولتی و معافیت مالیاتی با توسل به مفهوم خدمات عمومی توجیه می‌شود. در حوزه مسئولیت مدنی، ارائه ناقص یا ضعیف خدمات عمومی یکی از موجبات مسئولیت دولت به شمار می‌رود. (واعظی، سید مجتبی و زهرا البرزی، جایگاه مفهوم خدمات عمومی در حقوق اداری ایران؛ دو فصلنامه حقوق اداری (علمی – پژوهشی) سال چهارم، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶)

منظور از مامورین به خدمات عمومی

"مامورین به خدمات عمومی" به افرادی گفته می‌شود که در مؤسسات و سازمان‌های غیردولتی یا خصوصی که به ارائه خدمات عمومی می‌پردازند، مشغول به کار هستند. این افراد از نظر جرایم و مجازات‌ها در حکم مامورین دولتی محسوب می‌شوند

به موجب ماد اول قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی (مصوب ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۱۵) «*مأمورین به خدمات عمومی از حیث جرائم مذکور در فصل چهارم از باب دوم قانون مجازات عمومی و از حیث صلاحیت دیوان جزای عمال دولت در حکم مأمورین دولتی خواهند بود.*» و در ماده دوم می‌خوانیم «*محاکم اداری مأمورین به*

خدمات عمومی مطابق نظام‌نامه خواهد بود که به تصویب هیأت وزراء می‌رسد.» و بالاخره به موجب مقررات ماده سوم قانون مارالذکر *«مأمورین به خدمات عمومی کسانی هستند که در مؤسسات ذیل خدمت می‌کنند:*

۱ - مؤسسات خیریه که بر حسب ترتیب وقف یا وصیت تولیت آنها با پادشاه عصر است.

۲ - مؤسسات خیریه و مؤسسات عام‌المنفعه که دولت یا شهرداری اداره می‌کند و یا تحت نظر دولت اداره می‌شود.

۳ - مؤسسات انتفاعی دولت یا مؤسسات انتفاعی دیگر که تحت نظر دولت اداره می‌شود.

این قانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه ششم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و پانزده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.»

کارمندان بانک‌های خصوصی به مثابه مامور به خدمات عمومی

به موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸ ـ ۱۳۹۹/۷/۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور «مطابق ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مأمورین به خدمات عمومی همانند کارکنان دولت مشمول حکم مقرر در خصوص تصرف غیرقانونی نسبت به وجوه یا سایر اموال سپرده شده به آنها برحسب وظیفه هستند. کارکنان بانک‌های خصوصی که تحت نظارت بانک مرکزی، به ارائه خدمات گسترده پولی و بانکی به مردم می‌پردازند، از مصادیق مأمورین به خدمات عمومی محسوب می‌شوند و مشمول مجازات مقرر در ماده فوق‌الذکر هستند. بر این اساس، رأی شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان یزد تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء، صحیح و قانونی تشخیص داده

می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.»

هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور کارکنان بانک‌های خصوصی از جمله مأموران به خدمات عمومی به شمار آمده‌اند و تصرف آنها در اموال و وجوه بانک، تصرف غیرقانونی تلقی شده است. در حالی که این رفتار مجرمانه تنها به کسانی قابل انتساب است که دارای وصف و خصوصیت مقرر در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ باشند. زیرا، وصف «*مأمورین به خدمات عمومی*» که در ماده یاد شده و دیگر مواد قانون کیفری آمده، تنها شامل ماموران مذکور در «*قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی مصوب ۱۳۱۵*» می‌شود. نسخ این قانون تاثیری بر دگرگونی مفهوم و مصادیق این دسته از کارکنان ندارد. بی گمان قانون گذار، تا پیش از سال ۱۳۹۴ در همه مواد قانونی که این عبارت آمده، به آن قانون توجه داشته و تا این تاریخ هیچ مفهوم و مصداق دیگری را در نظر نداشته است. مفهوم و مصادیق این عبارت، روشن و معلوم است و ابهامی در آن وجود نداشته و ندارد که دیوان در مقام ارایه تفسیر صحیح از قانون بتواند درباره آن رأی وحدت رویه صادر کند. درباره کارکنان بانک‌های خصوصی قانون ساکت است و بر پایه اصل قانونی بودن جرم و مجازات در سکوت قانون جایی برای ورود دیوان عالی کشور نیست، بلکه باید درباره چنین امری قانون گذار تعیین تکلیف نماید. از این رو، نمی‌توان از این عبارت مفهوم و

مصداقی غیر از کسانی که در قانون ۱۳۱۵ آمده است، تفسیر و استنباط کرد. (منصور آبادی، دکتر عباس، مفهوم و مصادیق مأموران به خدمات عمومی» نقد رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸، مجله پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره ۳، شماره ۹ - شماره پیاپی ۹، سال سوم، شماره نهم، زمستان ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، صفحه ۸۷-۶۵)

منظور از مأمورین به خدمات عمومی کسانی می‌باشند که در مؤسسات تحت نظارت دولت که عهده دار یک یا چند امر عمومی بوده و خدمات آن‌ها جنبه عام المنفعه داشته مشغول خدمت می‌باشند، بنابراین کارکنان کانون‌های صنفی و حرفه ای نظیر کانون کارشناسان رسمی دادگستری، کانون وکلا دادگستری، سازمان نظام پزشکی، نظام مهندسی که بر اساس قوانین تأسیسی آن‌ها عهده دار بخشی از امور عمومی می‌باشند، مأمور به خدمت عمومی محسوب و مشمول ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ می‌باشند، اما در خصوص کارکنان بانک‌های خصوصی که به منظور فعالیت تجاری و تحصیل درآمد برای سهام داران و ارائه خدمات بانکی به مشتریان خاص خود، ایجاد شده اند، مأمور به خدمت عمومی محسوب نمی‌شوند، بدیهی است مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده جز تشکیلات دولتی بوده و کارکنان آن کارمند دولت محسوب و مشمول قوانین صدرالذکر است. (نظریه شماره ۱۹۵۲/۹۸/۷ مورخ ۱۰/۰۲/۱۳۹۹ اداره کل حقوقی قوه قضاییه)

منظور از «فایده دیگر»

در متن این ماده «فایده دیگری» در کنار وجه نقد بکار رفته است و مراد از آن هر نفعی است که به جای عین کارمند دولت آن را بپذیرد و این نفع می‌تواند تسلیط به مال مرتکب اعمال نفوذ باشد، بعنوان مثال ممکن است کسی که مرتکب اعمال نفوذ شود و یا کارمندی که اعمال نفوذ را بپذیرد، به جای وجه نقد، مدتی به صورت مجانی و بدون پرداخت اجاره بها و اجرت المثل در منزل یا ویلای دیگری سکونت یابد که این مصداق بارز «فایده دیگر» است و از این مصادیق بسیار زیاد می‌توان مثال زد.

ضرورت جرم انگاری اعمال نفوذ بر خلاف حق

نفوذ ناشی از برخی روابط و مناسبات خاص، فی نفسه نه تنها مذموم نیست بلکه به تحکیم روابط اجتماعی و حل بسیاری از چالش‌های جامعه و اختلافات موجود بین مردم کمک مینماید. استفاده از نفوذ معنوی، چنان‌چه به شکل صحیح اعمال شود، می‌تواند آنچه که را حکومت از حل آن عاجز است به نیکی فیصله دهد. هم-چنین در مواردی که سود اندیشی یا خصومت‌ها مانع اقدامی مثبت است، استفاده از این نفوذ راه‌گشا می‌باشد. اعمال نفوذ، که نظریه ای برخاسته از انصاف است، یکی از دلایل غیرمنصفانه بودن هنجارهای اجتماعی است. که موجب بروز بی اعتمادی بی‌ثباتی جامعه می‌گردد.

در جرم‌انگاری رفتارهای مختلف تحت عنوان اِعمال نفوذ، ارزش مورد حمایت برابری انسانها در برابر قانون و سلامت اداری است. گفتنی است بخشی از رفتارهای مجرمانه تحت عنوان اعمال نفوذ توسط بخش خصوصی صورت می‌گیرد. به این معنا که رفتار بخش خصوصی و اشخاص حقوقی که در

تملک یا تصدی‌گری دولت نیستند، سلامت اداری را مخدوش کرده و منتهی به تبعیض میان شهروندان در برابر قانون می‌شود (توسلی‌زاده، توران، پیشگیری از جرائم اقتصادی، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳). در جامعه‌ای که قانون حاکم است و شهروندان در برابر قانون و نهادهای مجری قانون برابر هستند، انتظار می‌رود تصمیمات اداری با توجه به قانون و بدون اعمال نظر صادر شود و امکان و حتی نیازی به متوسل شدن به اشخاص واسطه برای رسیدن به نتایج موردنظر در نزد مقامات اداری نباشد. حال آنکه اعمال نفوذ به عنوان یکی از مصادیق مهم فساد در معنای سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منفعت شخصی یا سیاسی (قاسمی، غلامعلی، تدابیر بازدارنده علیه مفاسد اقتصادی در ایران در پرتو کنوانسیون مبارزه با فساد و مقررات ایران، مجله حقوق تطبیقی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۸)

انواع متهمین در جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق

مرتکبین جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق را به طور کلی می‌توان بر چهار دسته تقسیم کرد:

الف) مرتکبین عمومی (موضوع ماده یک قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق ومقررات قانونی مصوب ۲۹ آذر ماه ۱۳۱۵)

ب) مرتکبین دولتی (موضوع ماده ۲ قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق ومقررات قانونی مصوب ۲۹ آذر ماه ۱۳۱۵)

ج) مرتکبین خصوصی(موضوع ماده ۳ قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق ومقررات قانونی مصوب ۲۹ آذر ماه ۱۳۱۵)

د) وکلای دادگستری (موضوع ماده ۴ قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف